

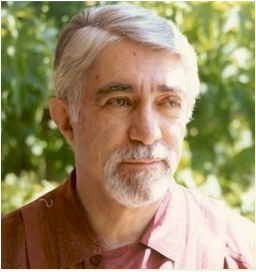
انتشارات سبزمنش (چاپ و نشر کتاب با معیارهای جهانی)

واحد نشر (بنیاد جهانی سبزمنش) با تخفیف ویژه در بخش‌های: **ویراستاری، صفحه‌آرایی، طراحی جلد، دریافت مجوزهای لازم اعم از (شابک، فیپا، مجوز چاپ، اعلام وصول) و تبدیل پایان نامه‌ها به کتاب از ۱۰ جلد الی...**

در کمترین زمان با بهترین کیفیت به زبان‌های مختلف از تمام کشورها در خدمت شماست!

www.sabzmanesh.net

سال ششم، دور دوم نشراتی، شماره ۱۴۱، شنبه، ۳۰ ثور / اردیبهشت ۱۴۰۲

نادر
نادرپور

در آسمان آبی این چشم ناشناس
چون آسمان خاطره من ستاره ایست
دیدم تو را که جلوه کنان در نگاه او
با من چنانکه بود، هنوزت اشاره ایست

می بینمت هنوز درین چشم ناشناس
این چشم ناشناس که رفت از برابرم
گویی تویی که باز چو خورشید شامگاه
می تابي از دریچه روزن به خاطر

من مانده بر دریچه این چشم ناشناس
چون دزد آشنا که بکاود ز روزنی
شاید چو نور ماه، درایم به خوابگاه
بینم که در سیاهی شب، خیره بر منی

جلیل شبگیر
پولادیان

باغ در باغ همه سایه‌ی پاییز شده‌ست
نوبهاران امیدم چه غم‌انگیز شده‌ست

ارغوانی که در آن خون شقایق جاری‌ست
بر تن سرخ شفق مشعله آویز شده‌ست

از بهارانه مگو بیش که آفاق خدا
پایمال ستم لشکر چنگیز شده‌ست

رخش اندیشه برانگیزم ازین عرصه‌ی خون
که تمامیت شب چکمه و مهمیز شده‌ست

نغمه‌ای را که در آوای فلق می‌خواندم
بسته در خلوت آهنگ شب‌آویز شده‌ست

آستانی که بر آن سجده‌ی تقدیم بود
نقش اهریمنی نقطه‌ی پرهیز شده‌ست

مرزع سینه‌ی من تربت خونین کفنان
کز گل سرخ شهادت همه گل‌بیز شده‌ست

به کدامین افق فاجعه فریاد زخم
داستان وطنم را غم انگیز شده‌ست

تا زمان، زخم فجیعی زده بر قلب هنر
دفتر شعر من از فاجعه لبریز شده‌ست

شعر؛ یک تجویز تکراری ست (مجموعه‌ی
غزل‌های جدید بسم الله شریفی) منتشر شد

سبزمنش: بزرگداشت روز فردوسی و زبان پارسی در مجمع فلاسفه ایران



مردم شریف افغانستان به فردوسی بزرگ و نیز سایر بزرگان شعر و ادب پارسی سخنرانی و نیز شعرخوانی کردند...

فلاسفه ایران، ضمن خوشامدگویی به باشندگان در جلسه و تقدیر از پروفسور امین، تاریخچه این بنای هفتاد ساله و علت تاسیس آن را بیان کردند. سپس آقای دکتر بهنام دارابی از موسسه مدارا و توسعه گفتگو راجع به چگونگی و انگیزه سرودن شاهنامه که خود حضرت فردوسی در ایامی آن را در ابتدای داستان بیژن و منیژه آورده است، صحبت کردند.

سخنران بعدی جناب دکتر بسم الله شریفی (مؤسس و دبیرکل اجرایی بنیاد جهانی سبزمنش) بودند که راجع به حکیم فردوسی و گرامیداشت زبان پارسی در افغانستان و نیز آشنایی و ارج نهادن

به گزارش سبزمنش به نقل از انجمن ادبی ایران، آیین بزرگداشت فردوسی و پاسداری از زبان پارسی با همیاری و همکاری مجمع فلاسفه ایران، انجمن ادبی ایران، موسسه مدارا و توسعه گفتگو و بنیاد جهانی سبزمنش در روز ۲۵ ثور / اردیبهشت در تهران برگزار شد.

این بزرگداشت به میزبانی جناب پروفسور سیدحسن امین (مسئول انجمن ادبی ایران و استاد کرسی فلسفه حقوق در مجمع فلاسفه ایران) و پریش ابراهیمی (دبیر و مجری انجمن ادبی ایران) برگزار گردید و با حضور و استقبال انبوهی از چهره‌های فرهنگی و فرهیختگان همراه بود. ابتدا جناب دکتر علی میرخانی (رئیس و سرپرست مجمع

از انتشارات بنیاد جهانی سبزمنش در سی و چهارمین نمایشگاه تخصصی بین‌المللی کتاب - تهران



از کتاب‌ها زیر زیر کار و در دستور چاپ قرار دارند...

رسالت فرهنگی و ارزشی؛ متعهد به تشویق و رشد شخصیت‌های فرهنگی بوده، میکوشد با نشر آثار مفید، مؤثر و مورد نیاز جامعه به ویژه شعر و ادبیات، سهمی هرچند اندک در آگاهی بخشی، توسعه‌ی فکر، معنویت، فرهنگ، ادب و معرفت انسانی ایفا نماید.

از نشانی واحد انتشاراتی سبزمنش با همکاری تعدادی از ناشران محترم به شمول نشر زین مهر تا اکنون کتاب‌های زیر اقبال چاپ یافته است و تعدادی زیادی

بنیاد جهانی سخن گستران سبزمنش به عنوان یک نهاد مستقل فرهنگی و جهان شمول به قول پروفسور سید حسن امین: (به پایداری و درایت مؤسس و دبیرکل اجرایی آن) محترم الحاج دکتر بسم‌الله شریفی، شهروند شرافتمند، حقوقدان و شاعر افغانستانی) با رویکرد فرهنگی - ارزشی، اواخر سال ۱۳۹۴ خورشیدی در افغانستان تاسیس شده و اکنون از اثر تلاش‌های مؤثر دوستداران سبزمنش از حوزه ملی افغانستان به ۲۷ کشور دنیا توسعه و گسترش یافته است. (واحد انتشاراتی سبزمنش) به عنوان یکی از زیر مجموعه‌های بنیاد جهانی سبزمنش، با درک

نورگل
اندروال

پشتو شاعری

۳

شناسنامه مختصر
شاعران معاصر /
قاری عبدالله احسان

۲

واحد انتشاراتی و
فراخوان سبزمنش

۴

در برگ‌های این
شماره می‌خوانید:

صفحه

سبزمنش؛ جایگاه خودباوری و خرد، پایگاه بهسازی و بهنامی و زیستگاه اندیشه‌ورزان سبزنگر بوده، پالایشگاه فکر و خلاقیت می‌باشد!

شناسنامه مختصر شاعران

(دائرة المعارف پارسی سرایان جهان)



قاری عبدالله احسان

نام و فامیلی) تخلص): قاری عبدالله احسان

نام پدر: ملا عثمان

سال تولد: ۱۳۳۸ هجری شمسی

محل تولد: ولسوالی (شهرستان) خواجه غار ولایت تخار

زیستگاه: // // //

تحصیلات: خصوصی

دستاوردهای فرهنگی و...: دواثرش: (زندگینامه‌ی یک شهید دوره‌ی جهاد علیه ارتش متجاوز شوروی سابق و اثر شعری تحت عنوان گداز دل) آن به چاپ رسیده است. قاری عبدالله احسان فعال فرهنگی بوده و عضو بنیاد جهانی سخن گستران سبزمنش نیز میباشد.

نمونه های شعر: ندامت و بوی بهار

زندگانی هست برمن چون قفس
نیست باقی در تنم جز یک نفس

بس اسیر نفسِ دونام روز و شب
در تلاشی نان و آبام چون مگس

هی نکردم در صلاح خویش کار
دست و پایم بسته در دامِ هوس

در وجود من نباشد ارزشی
ارزشی اندازه‌ی یکدانه خس

شد ضعیف اندام‌ها مویم سپید
می‌رسد از مرگ در گوشم جرس

در تمام عمر خود کردم خطا
مانع جرم‌ام نگشتی هیچکس

در ترازوی عمل آرند وزن
کان صوابم کمتر از قدر عدس

این ندامت بعد ازین دیگر چه سود؟
گه پریشم از زمان پیش و پس

گفت: احسان روسیاهم ای خدا!
غیر تو بر من نباشد داد رس

امروز در هوای تو بوی بهار نیست
اندر فضای اوج سما جز غبار نیست

کردم نگه به باغ و چمن کوه دره‌ها
صحراخמוש و دامنه‌ها لاله زار نیست

چشن و سرور و زمزمه نامد بگوش من
آهنگ ناب ناله دران مرغزار نیست

هر سو صدای ضجه براید ز بیهو زن
از گریه‌های زار یتیم دل قرار نیست

هر صبحدم ز شرق و شمال باد می‌وزد
اما نسیم بوی هوا مشکبار نیست

بادی وزید و شعله ز روغن خموش ماند
این خانه در مراد دلم شمعسار نیست

احسان نهال قامت سبزت خزان شد
وفق دلم که حاصل این روزگار نیست

به گزارش سبزمنش، مجموعه غزل‌های جدید بسم الله شریفی زیر نام (شعر؛ یک تجویز تکراریست) از سوی واحد انتشاراتی بنیاد جهانی سبزمنش با همکاری انتشارات زرین مهر در تهران نشر و روانه بازار کتاب گردید.

دکتر بسم الله شریفی این مجموعه شعری اش را به: (شکننده های طلسم جهالت، بی‌عدالتی، تعصب و محرومیت) تقدیم نموده و این کتاب در ۱۰۰ برگ بعد از طی مراحل قانونی و گرفتن شابک بین المللی، رده بندی کنگره، رده بندی دیویی و شماره کتابشناسی ملی، در قالب غزل با محتویات (اجتماعی، حماسی، عاشقانه و سوز و گداز هجرت و دوری از وطن) تن پوش چاپ به تن کرده و به زیور چاپ آراسته گردیده است.

پروفسور سید حسن امین (فیلسوف، حقوقدان و ادیب نام آشنا) در بخشی از مقدمه این کتاب نوشته است: کتاب حاضر، دفتر اشعار برادر دانشورما، محترم الحاج دکتر بسم الله شریفی (مؤسس اصلی و دبیرکل اجرایی بنیاد جهانی سبزمنش) از فضلا، حقوقدانان، ادباء و شعرای افغانستان است که از دو جهت حایز اهمیت می‌باشد:

اولین شاخصیت این مجموعه اشعار، بیش تر مرتبط با مضامین عالیه و مطالب رفیعہ این اثر مختصر یعنی قبول مسوولیت اجتماعی و پیام‌های انسانی و اخلاقی و موضع گیری های شجاعانه در برابر مظالم حکومتگران، خرابکاران و ستم پیشه گان است.

سپس جناب آقای عبدالعلی حسینیون از گروه هنرمندان توسعه گرا مطالبی راجع به اهمیت زبان و نقش فردوسی و نیز ضرورت توجه به

توسعه و نقش هنرمندان در توسعه فرهنگی و اجتماعی بیان داشتند.

بعد از این سخنرانی‌ها، استاد مصطفی باد کوبه ای به سخنرانی پرداخته و سروده زیبایی به مناسبت بزرگداشت فردوسی و ایران اهورایی آریایی تقدیم حاضران نمودند. همچنین شاعر و عکاس هنرمند حوا شایگان قطعه شعری از سروده های خود را اجرا کردند.

حضور استاد میلاد کیانی استاد مسلم موسیقی و نوازنده کم نظیر سنتور در این جمع نیز بسیار ارزشمند بود که سخنرانی کوتاهی داشتند. دیگر سخنرانان این مراسم دکتر علی اصغر فراز و دکتر علی مظفر بودند که هر دو شاعر و دارای درجه دکتری در ادبیات فارسی اند. در این مراسم همچنین خانم سهیلا داود زاده کارشناس ارشد رشته روانشناسی غزل «دوباره می سازمت وطن» سیمین بهبهانی را به مناسبت

مجموعه‌ی غزل‌های جدید بسم الله شریفی (شعر؛ یک تجویز تکراری ست) منتشر شد



به چشمم گر بخوانی واژه‌ها با رقص می‌آیند
وجودت کلبه ی عشق مرا معناست باور کن

مرا صفحه به صفحه در تمام زندگی گشتی
و روح در تمام جسم من پیداست باور کن

بیا که لانه‌ی عشقم ترا فریاد خواهد زد
درون قلب من عطر خوش گل هاست باور کن

شب شعر و غزل خوانی، بیا بانو کنارم باش!
دگر پنهان نخواهد ماند پرافشاست باور کن

این کتاب ضمن ستایش رفتارهای والای انسانی و تاکید بر عشق و عاطفه، تلاش فرهنگی در جهت انسان سازی، روشن کردن زوایای تاریک تاریخ معاصر افغانستان، موضع گیری و خصومت با تحجر، عقب افتادگی، اشغال آمریکایی ها، بی سیاستی و خیانت اشرف غنی و دار و دسته اوست. (أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ)

دومین شاخصیت کتاب حاضر، در این است که سراینده این آثار، شاعری از کشور افغانستان است که به زبان پارسی شعر سروده است، زبانی که مهمترین وجه اشتراک باقی مانده از یگانگی فرهنگی و هویتی مردم ایران، افغانستان و تاجیکستان است. از عصر زرتشت سراینده گات‌ها که گورجای او امروز در ولایت بلخ است، شعر و شاعری، در حوزه تمدن مشترک همه اقوام و ملل غرب آسیا و آسیای مرکزی بویژه ایران، افغانستان و تاجیکستان، مهمترین هنر کلامی بوده است، به گونه‌ای که کمترین ملتی را در جهان می‌توان شناخت که گنجینه‌ای چنین غنی و پر بار از آثار منظوم داشته باشد.

طراحی جلد کتاب را آقای عبدالله نیازی و بانو آزاده انجام داده و این کتاب به یمن روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی (۲۵ ثور/ اردیبهشت) اقبال چاپ یافته است.

دل نغزم زلال و شور یک دریاست باور کن
نگاهم سوژه‌ی امروز و فردا هاست باور کن

سبزمنش: بزرگداشت روز فردوسی و زبان پارسی در مجمع فلاسفه ایران



خواندند. هنرمندان گرامی جناب آقای بهشتی و جناب آقای معصومی نیز با ساز و آواز به این جلسه شور بخشیدند. در خاتمه هم خانم جمالی قطعه ایی از شاهنامه را دکلمه نمودند.

دیگر چهره های حاضر در این نشست عبارت بودند از: استاد عباس میرخانی ادیب و شاعر پیشکسوت، خانم دکتر محمد از حوزه مدیریت مجمع فلاسفه ایران، دکتر صفی الله ملکی استاد جامعه شناسی دانشگاه تهران، استاد محمدحسین دانایی نویسنده و پژوهشگر و خواهرزاده جلال آل احمد، دکتر اسدالله مرتضوی مدیر ماهنامه جهان اندیشه، ناصرالدین قاضی زاده فارغ التحصیل فلسفه و روزنامه‌نگار، استاد کیومرث ملکی شاعر و مترجم، خسرو آقایی شاعر و نویسنده، محمود رفیعی (یادها) شاعر و ترانه سرا، کامل قلی پور خوشنویس و آوازخوان، آقای یوسفیان قاضی سابق دادگستری، مریم نایب الصدري حقوقدان

از انتشارات بنیاد جهانی سبزمنش در سی و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب – تهران...

مورخ ۸ سنبله ۱۳۹۶ منتشر شد و تا اکنون ۱۴۰ شماره آن به شکل چاپی و انترنتی اقبال نشر را یافته است.



یادداشت: نشانی ما در سی و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران: شبستان مصلاي تهران، راهرو ۹، غرفه ۲۵

شاعره رحیم جان تاجیکستان



تکه نان سمرقندیست اندر خوان ما
گفتگو شیرین تر از قند است در ایران ما

رشته‌های مهر بستم، رشته‌ها زنجیر شد
رشته کوهی از دماوند است در پیمان ما

هر چه را از ما ربوده، زهر جان دشمن است
نسل بعدی را همین پند است، وای جان ما

چون زبان پارسی را نقد جان پرورده‌ایم
یک چناری ریشه‌پیوند است این ارکان ما

رودکی و سعدی و فردوسی و مولان روم
حافظ و سینای دانا است از سامان ما

انوری و صائب و عطار را بشنیده‌ایم
هر کدام گنجینه‌ای چند است در دیوان ما

در دل تهران دوشنبه است ما را جانماز
«عشق ایران» خفته اندر گوشه‌ی ایمان ما



حسین گوزلی

خنده بر لب‌های زیبایت قیامت می‌کند
خنده‌هایت با قیامت هم رقابت می‌کند

دست‌هایم خالی است و در مصاف چشم تو
دلبری‌هایت دلم را سخت غارت می‌کند

آنقدرها هم که میگفتی خرابت نیستم
بر دلم لعنت که در عشقت سماجت می‌کند

در نگاهت زهر داری و دل رنجور من
به همین طرز نگاهت هم قناعت می‌کند

از دلم می‌خواهم از تو دست بردارد ولی
عذر می‌خواهم اگر گاهی جسارت می‌کند

گفته بودی بی تو میمیرم، نه اینکه سخت نیست
آدمی به مرگ حتی زود عادت می‌کند



نورگل اندروال

ساتو چي ځان کي د ازار تصویران
خود مو تصویر نه کوي ډار تصویران
دا ستا د دوه سترگو په لنز کي بند دي
زما د سترگو گناهگار تصویران
بدرنگه بنار ته ښکلیه کله راځي؟
درته شیندم په ټوله لار تصویران
د شر په لوري غزوني کوي
د فرعوني سترگو کفار تصویران
چي ورته گورم راته هېڅ نه وايي
څومره ساده دي ستا هوښیار تصویران
د یوسف مخو د راتلو تمه ده
پراته په لاره دي کتار تصویران
د بلا ډبرو تیرو لاندې بند دي
په نه گناه می دي سنگسار تصویران
د ښکلو نه دي ښکل یی نه کړي
کوکناري خوی لري خونکار تصویران
پسې په شمار ووتم شمار می نه کړل
د اندروال وتي له شمار تصویران

ذکرالله رسولی

یک روز فوت می‌کنم از غم، بالاخره
یک روز فوت می‌کند آدم؛ بالاخره
دیروز آمدی!
ولی امروز

میروی
یک‌روز می‌شود (گِلِمات جم) بالاخره
باور بکن جوانی‌ات از دست می‌رود
آهسته می‌شود قدکات خم؛ بالاخره
گل‌بیز، گلشکر، همه پژمرده شد، بلی!
پژمرده می‌شود گل تو هم؛ بالاخره

دنیا دو روز است بقایي نمی‌کند
نابود می‌شود همه عالم بالاخره
مریم! عزیز جان و دل این وعده‌ی من است
نزدیک می‌شوم به تو کم کم بالاخره
تشویش چیستی؟ به خدا اعتماد کن
یک روز می‌شوی تو عزیزم، بالاخره
مریم! دعا بکن که من از غم رها شوم
یک روز می‌گشدد بخدا غم؛ بالاخره



سر دادن
جان دادن

چه ارزد
در برابر چشمان مستش
خمار و مست می‌شوم
در نگاه‌های عمیق
و بی‌حواسی‌اش
رخسارهاش را نگویم
قرص جمال است
که ماه در برابرش
سر فرود می‌آورد...



شقایق پاکی پودنگ



مر ضیه نیکویی

شاید این جمله‌ی آخر باشد
آخرین جرعه‌ی اشعار مرا نوش کنيد
دست صیاد قضا خیمه زده روی ایوان حیات
وقت آن‌ست خداحافظی تلخ مرا گوش کنيد
من که یک عمر نوشتم: زندگی چشمه‌ی آبی ست روان
با همه خوب و بدش، پاک و زلال‌ست هنوز...
و ستودم خاک و دریاچه و نیلوفر را
چه دلیلی دارد که ز دنیای شما، پر بکشم؟
پاسخ این‌ست: این آمدن و رفتن مان، اجباری‌ست
تو بخوان بغض فروخته‌ی این شاعر را
که دل سنگ از این غصه، کباب است عزیز
آه سردم، به بلندای همه تاریخ است
غصه‌ی آدم و تنهایی و رنج
گر چه تکراری و تلخ
تو بخوان درد عمیقی که در این آبادی ست.
و هزاران سال است که نگفتن شاید، بهتر از هر سخن دیگر و
هر فریادی ست
می‌روم با چمدانی که پر از دلتنگی ست.
به جهنم برود آنکه نفهمید مرا
من که سرچشمه‌ی جوشان محبت بودم،
آرزویم یک جهان آزادی ست
جسرت من عشق است
آرزویم شادی ست.

ز قلقل شیشه‌ی بی باده عاریست
شکست آماده‌ایم و شیشه‌کاریست

درین آفت‌سرا سنگ است و مینا
نباشد عافیت آه است و زاریست

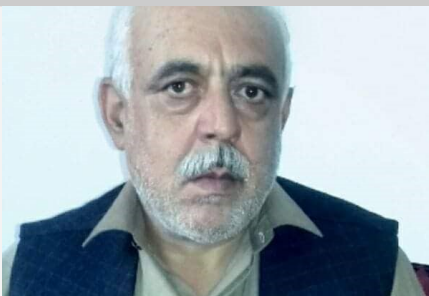
ز بادام روغنی آورده هستی...!
فشار محنت آباد است و خواریت

به غربال فنا بیزد ترا دهر
به هر منزل ز کلفت اشکباریت

شیرینی‌ها به ظاهر خوشگوارند
به جنب شهد دستان مکاریست

نه لافی هیچگاه از دستگاہت
فقط این زندگانی خر سواریت

نوازش‌ها کند گردون به چربی
فریب و چال‌هایش چون مداریت



به زرگیرد ترا بخشد به خاکی
که این بی‌همتای‌هاکی عیاریست

فلک دونان را بخشد لب نان
به جام ما شرابِ شور جاریست

مخور (تنها) ز حلوای جهان هیچ
که محنت آورد امراض ساریست

به هستی بیدل مسکین چه لافد
ز قلقل شیشه‌ی بی باده عاریست

عبدالخالق تنها کاشفی

یادداشت: اگر گاهی برای تشویق شاعران تازه کار، شعری ضعیف منتشر می‌کنیم، معذورمان دارید و به بزرگواری تان ببخشید...



احمدشاه فایض

از بهاران، نام مانده نسترن‌ها گم شدند
باغ‌ها در خشک‌سال زیستن‌ها گم شدند

آفتاب مهربان، افتاده از چشم سپهر
تا سحاب تیره آمد، گل‌بدن‌ها گم شدند

دوزخ از شرم آب می‌شد خاک می‌شد از حیا
در تو می‌دید ای وطن، که یاسمن‌ها گم شدند

قرن‌ها شد میهن‌ام که روی آرامش ندید
بارها گرچه شنیدم اهریمن‌ها گم شدند

باد آمد شاخه شاخه آرزوها را شکست
دیدهام بر چشم خود عطر چمن‌ها گم شدند

زنده‌ها قامت بلند از رفته‌های عصر ماست
شیرها از پیش چشم انجمن‌ها گم شدند

فایض از آینه‌ی صبح وطن دزدیده‌اند
پرتو اندیشه را و در لجن‌ها گم شدند

می‌رسد روزی پرستوهای عاشق غم مخور
بنگری که این همه زاغ‌وزغن‌ها گم شدند



مسعود فایزی

تهی شد از غسل لب‌ها و سم در شیشه‌ام مانده
جهان بیکسی و دل‌دقی، در بیشه‌ام مانده

درخت خشکم و افتاده‌ام در حسرت باران
نه برگ و شاخه و نه ساقه و نه ریشه‌ام مانده

و شد خالی‌دل از محض نشاط و نبض خوشبختی
فقط آشفتگی و غصه در اندیشه‌ام مانده

و شد آینه‌ام مشغول آه و درد بی‌پایان
فقط دنیایی پر غوغا نصیب پیشه‌ام مانده

هوایم تیره‌تر شد تیره شد تیره‌تر افسوس
غبار خستگی در لابلای شیشه‌ام مانده



مسعود رحیمی

مرا از قلدران بر صحنه‌ی میدان نترسانید
من از آه فقیری گوشه‌ی بازار می‌ترسم

سخنرانی که آرامش دهد را دوست میدارم
ولی از حرف‌های پوچ و بی‌مقدار می‌ترسم

چه ترسی از رقیبانی که رو در روی می‌جنگد
ازین آلوده یاران سیه پندار می‌ترسم

من از دشواری کارم خدا شاهد نمی‌ترسم
ز سنگ اندازی مسئول بد کردار می‌ترسم

من از لطف غزل‌های عسل ریز خودم خوبم
ولی از بوی اشعار سیاست‌بار می‌ترسم

مرا بر جستگی‌های تن تو کرده است شاعر
تو میدانی که من از شعر آتشبار می‌ترسم

بیا ای واژه‌ی رنگین احساس قشنگ من
که من از گرمی طبع خودم بسیار می‌ترسم



احمد شهیم شهام فرانسه

حباب لفظ نتواند کشد، دریای معنایت
سراپا گوهر جانی، چه گویم از صدف هایت

طنین آبخار و خنده‌ی گل‌های سرخ عشق
ترا خوانند می‌دانم، منم سودای سودایت

به برگ گل، به جام مل، به هر خندیدن ساغر
تو نا تکرار می‌آیی، منم غرق تماشايت

به حسن آباد خوبان، شهره‌ی شهری تو ای خورشید
نگاهی از گرم داری، بکن لطفی به شیدایت

به چشم شوخ خورشیدت، نگاه کردم، ترا دیدم
مرا در خویش می‌خواهد، نگاه چشم شهلايت

تو ای رنگین کمان ذات جوهرهای معنا ها
کشیدی چهره‌ی خود را، جهان در تماشايت

سرود هر بهار و چهچه نالیدن بلبل
به گوش جان ما بودست دایم، شور و غوغایت

شراب و شربت عشقت نصیبم کن که می میرم
خمار دیدن ات دارم، بده پیکی ز مینایت

شدم من غرق در گرداب هستی‌های حیرت زا
سراپا موج در موجی، چه گویم از سراپایت

به طور معرفت، هر کس ندارد قوت رفتن
منم موسای پیغمبر، شدم محو تماشايت



ایرج زبردست

من: دهکده‌ها نیض حقایق هستند
او: مردم ده با تو موافق هستند
ناگاه صدای خیس رعدی پیچید:
باران که بیاید همه عاشق هستند

آئینه‌ی روزگار لبخند من است
آرامش سبزه زار لبخند خداست
از عطر نگاه باغها دانستم
نام دگر بهار لبخند خداست



مژده بزرگ

(دائرة المعارف پارسی‌رایان جهان)

در حال تدوین است...

مسئولین بنیاد جهانی سخن گستران سبزمنش، سایت سبزمنش و خبرگزاری عقاب (نیوز) می‌خواهند شناسنامه مختصر شاعران پارسی‌سرا را بعد از نشر در سبزمنش و عقاب نیوز به عنوان (دائرة المعارف پارسی‌رایان جهان) تدوین نموده، به دست‌بوسی دوست-داران شعر و ادبیات قرار دهند.

شاعران که هنوز مشخصات شان را نفرستاده اند و یا در ارسالی‌های شان مشکلی وجود داشته، آرزو داریم با تکمیل موارد زیر دوباره ارسال نمایند.

مشخصات مورد نیاز:

نام و فامیلی (تخلص):

نام پدر:

سال تولد:

زادگاه اصلی:

زیستگاه فعلی:

تحصیلات:

دستاوردهای فرهنگی، هنری و پژوهشی:

نمونه‌های شعر (دو تا پنج قطعه):

تصویر شاعر:

www.sabzmanesh.net

www.oqabnews.com

مشخصات را به واتساپ زیر بفرستید:

۰۰۹۳۷۰۰۷۲۰۹۵۳

۰۹۹۴۰۷۸۹۶۴۵

WhatsApp

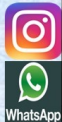
سبزمنش؛ جایگاه خودباوری و خرد، پایگاه بهسازی و بهنامی و زیستگاه اندیشه‌ورزان سبزنگر بوده، پالایشگاه فکر و خلایق می‌باشد!

sabzmanesh786

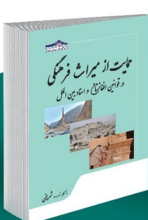
Sabz.manesh

۰۰۹۳۷۰۰۷۲۰۹۵۳

بنیاد جهانی سبزمنش



واحد انتشاراتی سبزمنش (چاپ و نشر کتاب با معیارهای جهانی)



... و یک خبر خوش

انتشارات سبزمنش (چاپ و نشر
کتاب با معیارهای جهانی)

واحد نشر (بنیاد جهانی سبزمنش) با تخفیف ویژه در بخش‌های:

ویراستاری، صفحه‌آرایی، طراحی جلد، دریافت مجوزهای لازم اعم از (شابک، فیبا، مجوز چاپ، اعلام وصول) و تبدیل پایان نامه‌ها به کتاب از ۱۰ جلد الی...

در کمترین زمان با بهترین کیفیت به زبان‌های مختلف از تمام کشورها در خدمت شماست!

اگر می‌خواهید کتاب‌های شما با استانداردهای جهانی چاپ شود و در سایت‌های مختلف دنیا از جمله:

(سبزمنش و عقاب نیوز) به معرفی گرفته شود؛ انتشارات سبزمنش را انتخاب نمایید.

واتساپ: ۰۰۹۳۷۰۰۷۲۰۹۵۳ // شماره تماس در ایران: ۰۹۹۴۰۷۸۹۶۴۵ // ایمیل: sharefib@gmail.com

www.sabzmanesh.net WWW.Oqabnews.com

از اهداف سبزمنش:

— پاسداری، شناساندن و گسترش زبان و ادبیات فارسی / دری / تاجیکی (هر سه یک زبان) به‌عنوان زبان دوم اسلام و یکی از زبان‌های کلاسیک، علمی، معتبر، عرفانی، غنی و پرکاربرد جهان؛
— انسجام روابط فرهنگی، ادبی، پژوهشی و هنری میان گویش‌وران، ادیبان، شاعران، پژوهشگران و هنرمندان پارسی زبان و تحکیم روابط با شخصیت‌های فرهنگی سایر زبان‌ها در سراسر جهان؛
— ایجاد و تقویت رابطه‌ی تفاهم و همدلی میان فارسی‌زبانان و گویندگان سایر زبان‌های جهان از راه گسترش ارزش‌های مشترک انسانی و همکاری فرهنگی برای زدودن تعصبات بیجای زبانی و...؛

مسئولین، اعضا و دوستداران
بنیاد جهانی سبزمنش

بنیاد جهانی سبزمنش
sabzmanesh786

Sabz.manesh
Sabz.manesh1

شورای
نویسندگان:



مؤسس و
مدیر مسئول: بسم الله شریفی

sharefib@gmail.com
sabzmanesh92@gmail.com

0093700720953
09940789645

